

## فصل دوم - در ضمان قهری

ماده ۳۰۷. امور ذیل موجب ضمان قهری است:

۱- غضب و آنچه که در حکم غضب است.

۲- اتلاف.

۳- تسبیب.

۴- استیفاء.

### مبحث اول - در غضب

ماده ۳۰۸. غضب استیلا بر حق غیر است بنحو عدوان اثبات

ید بر مال غیر بدون مجوز هم در حکم غضب است.

ماده ۳۰۹. هرگاه شخصی مالک را از تصرف در مال خود

مانع شود بدون آنکه خود او تسلط بر آن مال پیدا کند غاصب محسوب

نمی شود لیکن در صورت اتلاف یا تسبیب ضامن خواهد بود.

ماده ۳۱۰. اگر کسی که مالی به عاریه یا بودیعه و امثال آنها

در دست اوست متکرر گردد از تاریخ انکار در حکم غاصب است.

ماده ۳۱۱. غاصب باید مال مغضوب را عیناً بصاحب آن رد

نماید و اگر عین تلف شده باشد باید مثل یا قیمت آنرا بدهد و اگر

بعلت دیگری رد عین ممکن نباشد باید بدل آنرا بدهد.

ماده ۳۱۲. هرگاه مال مغضوب بوده و مثل آن پیدا نشود غاصب باید قیمت حین الاداء را بدهد و اگر مثل موجود بوده و از مالیت افتاده باشد باید آخرین قیمت آنرا بدهد.

ماده ۳۱۳. هرگاه کسی در زمین خود با مصالح متعلقه به دیگری بنائی سازد یا درخت غیر را بدون اذن مالک در آن زمین غرس کند صاحب مصالح یا درخت می تواند قلع یا نزع آنرا بخواهد مگر اینکه به اخذ قیمت تراضی نمایند.

ماده ۳۱۴. اگر در نتیجه عمل غاصب قیمت مال مغضوب زیاد شود غاصب حق مطالبه قیمت زیادی را نخواهد داشت مگر اینکه آن زیادتی عین باشد که در اینصورت عین زاید متعلق به خود غاصب است.

ماده ۳۱۵. غاصب مسئول هر نقص و عیبی است که در زمان تصرف او بمال مغضوب وارد شده باشد هر چند مستند بفعل او نباشد.

ماده ۳۱۶. اگر کسی مال مغضوب را از غاصب غصب کند آن شخص نیز مثل غاصب سابق ضامن است اگر چه بغاصبت غاصب اولی جاهل باشد.

ماده ۳۱۷. مالک می تواند عین و در صورت تلف شدن عین مثل یا قیمت تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از غاصب اولی یا از هر یک از غاصبین بعدی بخواهد مطالبه کند.

ماده ۳۱۸. هرگاه مالک رجوع کند بغاصبی که مال مغضوب در ید او تلف شده است آن شخص حق رجوع به غاصب دیگر ندارد ولی اگر بغاصب دیگری بغیر آن کسی که مال در ید او تلف شده است رجوع نماید مشارالیه نیز می تواند به کسی که مال در ید او تلف شده است رجوع کند و یا به یکی از لاحقین خود رجوع کند تا منتهی شود

به کسی که مال در ید او تلف شده است و بطور کلی ضمان بر عهده کسی مستقر است که مال مغضوب در نزد او تلف شده است.

ماده ۳۱۹. اگر مالک تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از یکی از غاصبین بگیرد حق رجوع بقدر مأخوذ بغاصبین دیگر ندارد.

ماده ۳۲۰. نسبت به منافع مال مغضوب هر یک از غاصبین به اندازه منافع زمان تصرف خود و مابعد خود ضامن است اگر چه استیفاء منفعت نکرده باشد لیکن غاصبی که از عهده منافع زمان تصرف غاصبین لاحق خود بر آمده است می تواند بهر یک نسبت به زمان تصرف او رجوع کند.

ماده ۳۲۱. هرگاه مالک ذمه یکی از غاصبین را نسبت به مثل یا قیمت مال مغضوب ابراء کند حق رجوع بغاصبین دیگر نخواهد داشت. ولی اگر حق خود را بیکی از آنان بنحوی از انحاء انتقال دهد آنکس قائم مقام مالک می شود و دارای همان حقی خواهد بود که مالک دارا بوده است.

ماده ۳۲۲. ابراء ذمه یکی از غاصبین نسبت به منافع زمان تصرف او موجب ابراء ذمه دیگران از حصه آنها نخواهد بود لیکن اگر یکی از غاصبین را نسبت به منافع عین ابراء کند حق رجوع بلاحقین نخواهد داشت.

ماده ۳۲۳. اگر کسی ملک مغضوب را از غاصب بخرد آنکس نیز ضامن است و مالک می تواند بر طبق مقررات مواد فوق بهر یک از بایع و مشتری رجوع کرده عین و در صورت تلف شدن آن مثل یا قیمت مال و همچنین منافع آنرا در هر حال مطالبه نماید.

ماده ۳۲۴. در صورتی که مشتری عالم به غصب باشد حکم



رجوع هر یک از بایع و مشتری به یکدیگر در آنچه که مالک از آنها گرفته است حکم غاصب از غاصب بوده تابع مقررات فوق خواهد بود.

**ماده ۳۲۵.** اگر مشتری جاهل به غضب بوده و مالک به او رجوع نموده باشد او نیز می تواند نسبت به ثمن و خسارات به بایع رجوع کند اگر چه مبیع نزد خود مشتری تلف شده باشد و اگر مالک نسبت به مثل یا قیمت رجوع به بایع کند بایع حق رجوع به مشتری را نخواهد داشت.

**ماده ۳۲۶.** اگر عوضی که مشتری عالم بر غضب در صورت تلف مبیع به مالک داده است زیاده بر مقدار ثمن باشد بمقدار زیاده نمی تواند رجوع به بایع کند ولی نسبت به مقدار ثمن حق رجوع دارد.

**ماده ۳۲۷.** اگر ترتب ایادی بر مال مغضوب به معامله دیگری غیر از بیع باشد احکام راجعه به بیع مال غضب که فوقاً ذکر شده مجری خواهد بود.

#### مبحث دوم - در اتلاف

**ماده ۳۲۸.** هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آنست و باید مثل یا قیمت آنرا بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آنرا ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.

**ماده ۳۲۹.** اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آنرا بمثل صورت اول بنا نماید و اگر ممکن نباشد باید از عهده قیمت برآید.

**ماده ۳۳۰.** اگر کسی حیوان متعلق به غیر را بدون اذن صاحب آن بکشد باید تفاوت قیمت زنده و کشته آنرا بدهد و اگر کشته آن

قیمت نداشته باشد باید تمام قیمت حیوان را بدهد ولیکن اگر برای دفاع از نفس بکشد یا ناقص کند ضامن نیست.

#### مبحث سوم - در تسبیب

**ماده ۳۳۱.** هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آنرا بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت آن برآید.

**ماده ۳۳۲.** هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود مباشر مسئول است نه مسبب مگر اینکه سبب اقوی باشد بنحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد.

**ماده ۳۳۳.** صاحب دیوار یا عمارت یا کارخانه مسئول خساراتی است که از خراب شدن آن وارد می شود مشروط بر اینکه خرابی در نتیجه عیبی حاصل گردد که مالک مطلع بر آن بوده یا از عدم مواظبت او تولید شده است.

**ماده ۳۳۴.** مالک یا متصرف حیوان مسئول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد می شود مگر اینکه در حفظ حیوان تقصیر کرده باشد لیکن در هر حال اگر حیوان بواسطه عمل کسی منشاء ضرر گردد فاعل آن عمل مسئول خسارات وارده خواهد بود.

**ماده ۳۳۵.** در صورت تصادم بین دو کشتی یا دو قطار راه آهن یا دو اتومبیل و امثال آنها مسئولیت متوجه طرفی خواهد بود که تصادم در نتیجه عمد یا مسامحه او حاصل شده باشد. و اگر طرفین تقصیر یا مسامحه کرده باشند هر دو مسئول خواهند بود.

#### مبحث چهارم - در استیفاء

**ماده ۳۳۶.** هرگاه کسی بر حسب امر دیگری اقدام بعملی

نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهیای آن عمل باشد عامل مستحق اجرت عمل خود خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که قصد تبرع داشته است.

ماده ۳۳۷. هرگاه کسی بر حسب اذن صریح یا ضمنی از مال غیر استیفاء منفعت کند صاحب مال مستحق اجرت المثل خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که اذن در انتفاع مجانی بوده است.

باب سوم - در عقود معینه مختلفه

#### فصل اول - در بیع

مبحث اول - در احکام بیع

ماده ۳۳۸. بیع عبارتست از تملیک عین بعوض معلوم.

ماده ۳۳۹. پس از توافق با بیع و مشتری در مبیع و قیمت آن عقد بیع به ایجاب و قبول واقع می شود.

ممکن است بیع به داد و ستد نیز واقع گردد.<sup>۱</sup>

ماده ۳۴۰. در ایجاب و قبول الفاظ و عبارات باید صریح در معنی بیع باشد.

ماده ۳۴۱. بیع ممکن است مطلق باشد یا مشروط و نیز ممکن است که برای تسلیم تمام یا قسمتی از مبیع یا برای تأدیه تمام یا قسمتی از ثمن اجلی قرار داده شود.

ماده ۳۴۲. مقدار و جنس و وصف مبیع باید معلوم باشد و تعیین مقدار آن بوزن یا کیل یا عدد یا ذرع یا مساحت یا مشاهده تابع

۱- به رأی اصراری شماره ۱/۱۳۳۴ - ۱۱/۲۴/۱۳۶۷ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مراجعه شود.